جام دیده‌ها

چرا صعود نکنیم؟

گفت‌وگو با مهرداد میناوند

علی استیلی: مهرداد میناوند یکی از خوش‌شانس‌های فوتبال است. قبل از دو تورنمنت مهم دری به تخته خورد و نوبت بازی به او رسید. در جام جهانی ۹۸ و جام ملت‌های آسیای ۹۶ رضا شاهرودی خود به خود از تیم دور شد و مهرداد این فرصت را در هوا قاپید. البته فاصله‌اش با شاهرودی زیاد نبود که نتواند مثل شاهرودی بازی کند. اتفاقاً چه در جام ملت‌ها و چه در جام جهانی از بهترین‌های تیم به شمار می‌رفت. یک چپ‌پای مادرزاد که حتی الان هم نمونه‌اش در فوتبال امروز ما خیلی کم است. شاید پررنگ‌ترین خاطره‌ای که از او در جام جهانی ۹۸ به یاد مانده باشد مربوط به لحظه‌ای است که پا به توپ به جلوی دروازه یوگسلاوی رسید ولی توپ را به راحتی به اوت زد. امروز می‌گوید جوانی کرده توپ را به آن شکل شوت کرده و اگر الان دوباره این موقعیت فراهم می‌شد می‌دانست چه کار کند.

■ برای اولین سئوال پیش‌بینی شما از بازی‌های ایران در آلمان چیست؟

من که همیشه خوش‌بین بوده‌ام. چه الان چه قبلاً که خودم در تیم بودم. الان در فاصله چهل روزه به مسابقات فدراسیون موظف است برنامه‌هایی که باید انجام دهد را انجام دهد. به هر حال هرچه فکر می‌کنند نیاز است باید زودتر برآورده کنند. خوشبختانه لیگ امسال به خوبی و با نظم تمام شد و باید از این بابت از سازمان لیگ هم تشکر کرد، حالا هم فرصت برای برگزاری مسابقات دوستانه هست. خوشبختانه آقای برانکو هم به فوتبال ما خیلی آشنا است و از نظر روحی- روانی می‌تواند بازیکن‌ها را آماده کند. الان می‌شنوم که بعضی‌ها جهت تعویض، او را مطرح می‌کنند که واقعاً کار اشتباهی است.

■ حالا به نظر شما صعود می‌کنیم؟

چرا که نه. آنگولا دفعه اولش هست که به جام جهانی آمده و این فرصت مناسبی برای ماست که جلوی این تیم امتیاز بگیریم. به هر حال ما سابقه حضور در سه جام جهانی را داریم. ضمن اینکه مکزیک و پرتغال تیم‌های خیلی قدرتی‌ای نیستند و فوتبال را فنی و تکنیکی انجام می‌دهند. تجربه نشان داده که ما همیشه جلوی تیم‌های فیزیکی ضعیف کار کرده‌ایم ولی خیلی مقابل تیم‌هایی که مثل مکزیک و پرتغال بازی می‌کنند نمایش بدی نداریم. می‌توان امیدوار بود.

■ نقاط ضعف تیم کجاست؟

دفاع تیم باید تقویت شود. به هر حال می‌شود که از بازیکنانی دعوت شود و آنها با آمدنشان این مشکلات را حل کنند. خیلی دوست ندارم اسم ببرم ولی سهراب و کریم واقعاً در جمعی هستند که می‌توانند بازی کنند و خوب هم بازی کنند. کریم واقعاً در لیگ خوب بوده. مگر غیر از این است که لیگ آینه تیم ملی است. او که در بازی‌های باشگاهی خوب بوده، پس می‌تواند در تیم ملی هم موفق باشد. سهراب هم همینطور. ضمن اینکه سهراب بازیکن این یکی دو سال که نیست. بازیکن هشت سال پیش است. از آن موقع برای تیم ملی مطرح بوده و راستش با این تجربه‌ای که دارد خیلی به درد بخور است. مگر نادر محمدخانی و جواد زرینچه نبودند که نسبتاً سن‌شان زیاد بود و چندسالی هم از تیم ملی دورافتاده بودند؟ ولی آنها در جام جهانی واقعاً خوب کار کردند.

■ در پست دفاع چپ که خود شما بازی می‌کردید، اوضاع چطور است؟

حتماً باید بازیکنی را آنجا گذاشت که یک چپ‌پای مادرزاد باشد. نباید آنجا از یک راست‌پا استفاده کرد و فردای مسابقه هزار انتقاد را به تن خرید. الان برای این پست میثم منیعی خیلی خوب است. واقعاً تمام‌عیاره. حیف است که در تیم ملی نباشد. البته در فوتبال همه چیز مرتبط به سلیقه سرمربی است. باید به عقیده او احترام گذاشت. من هم نظرات او را می‌پذیرم.

■ در یک مقایسه کلی تیم حال حاضر بهتر است یا تیم ۹۸؟

قدرت هجومی تیم فعلی خیلی بالا است. طوری که الان نمی‌شود، به راحتی بازیکنان خط حمله و هافبک را انتخاب کرد. کلی بحث است سر این موضوع. بالطبع بازیکنان تعویضی خیلی خوبی هم داریم. برخلاف آن دوره که بازیکنان ذخیره ما خیلی متنوع نبودند و به آسانی می‌شد پیش‌بینی کرد که تعویضی‌ها کدام هستند. البته در تیم فعلی مشکل ما خط دفاعی و امور تدافعی است. با آمدن چند بازیکن اوضاع درست می‌شود.

■ ولی مشکل اصلی ما تفکر و نداشتن برنامه منظم برای دفاع کردن نیست؟ بازیکن با بازیکن نباید خیلی تفاوت داشته باشد.

نه. همه چیز که مربی نیست. بازیکن‌ها هم خیلی مهم‌اند. من یادم است زمان بلاژویچ کلی تمرین ضربات ایستگاهی می‌کردیم ولی هیچ وقت به گل نمی‌رسیدیم. چیرو می‌گفت آرزو به دلم ماند که یک بار از این راه گل بزنیم، اما زمان ایویچ خیلی راحت چندین بار در این مواقع به گل رسیدیم. این مسئله فرق کیفیت بازیکنان دو تیم را نشان می‌داد.

■ آقای میناوند جدا از شایستگی خودت شانس هم یار تو بود که دو روز مانده به بازی‌ها رضا شاهرودی رقیب اصلی تو مصدوم شد و نوبت به تو رسید...

خواست خدا بود دیگر. به هر جهت من که با رضا خیلی رفیق بودم، ولی کلاً خیلی با هم رقابت داشتیم. اول قرار بود رضا پیستون چپ باشد و من یک خط جلوتر از او بازی کنم ولی بعد تصمیم ایویچ عوض شد و ما دوباره رقیب هم شدیم که آخرش آن شد. البته جدا از تیم ملی در باشگاه اشتورم گراتس هم این اتفاق برایم افتاد. یک روز قبل از بازی با رئال مادرید پای هم‌پست من که فیکس تیم بود پیچید و باز من به میدان رفتم و دیگر تا آخرین روزی که در اتریش بودم جای خودم را پس ندادم. به هر حال باید از این فرصت‌ها استفاده کرد.

■ در بازی با یوگسلاوی یک فرصت خوب گل را نزدی. حسرت نمی‌خوری؟

خیلی زیاد. بارها آن صحنه را دیده‌ام. خیلی جوانی و بی‌تجربگی کردم، آن توپ را آن شکل بیرون زدم. الان بود حتماً گلش می‌کردم. حیف شد واقعاً. وقتی می‌گویم در جام جهانی جای بازیکن باتجربه است، همین است دیگر. نباید ریسک کرد. خوشبختانه الان خیلی از بازیکنان ما که به آلمان خواهند رفت باتجربه هستند و سابقه زیادی در تیم ملی دارند.

عکس: فرهاد کاوه/ شرق

از «جی‌لیگ» تا لیگ برتر ایران

ما هیچ

وصال روحانی

شاید قیاس مستقیم کار صحیحی نباشد. هرچه باشد لیگ حرفه‌ای فوتبال ژاپن که به آن «جی لیگ» می‌گویند از ۱۹۹۳ به راه افتاده و پشتوانه قوی ۱۳ ساله‌ای دارد و ستاره‌های خارجی شامل کاره‌کا و بوخوالد و لیت بارسکی و زیکو در آن بازی کرده‌اند و لیگ به اصطلاح حرفه‌ای فوتبال ایران تازه پنجمین سال خود را به پایان رسانده است و معروف‌ترین خارجی‌های آن که البته به کلی از شهرت بی‌بهره مانده‌اند، گیلائوری و عیسی ترائوره بوده‌اند! با این حال تنها چیزی که باعث رجحان آشکار جی‌لیگ بر مسابقات دسته برتر لیگ باشگاه‌های ایران شده است، فقط مسئله تفاوت زمانی و طول مدت بیشتر اجرای لیگ ژاپن و یا اسامی و اوصاف لژیونرهای خارجی نیست و به واقع کارهای تشکیلاتی حساب‌شده‌تر، ژاپن را به جایگاه فعلی رسانده است. درست است که پیشرفت‌های لیگ ایران نیز در قیاس با ادوار نخست محسوس و غیرقابل انکار است اما هنوز که هنوز است شماری قابل توجه از تیم‌های ما استادیوم و زمین تمرینی شخصی ندارند، ترازنامه مالی‌شان مشخص نیست، عملکردشان به تیم‌های کوچک محلی می‌ماند و آئین‌نامه ثابت و صریح و شفافی هم پیش رویشان نیست و نه خود شبیه به باشگاه‌های حرفه‌ای هستند و نه مدیران لیگ ما به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که آنها مجبور به رویکردها و گرایش‌های حرفه‌ای شوند. نگاهی به قواعد رفتاری و ساختار حرفه‌ای رایج در «جی‌لیگ»، موضوع را روشن‌تر می‌کند. هیات‌مدیره «جی‌لیگ» مرکب از مدیران و مسئولانی است که هر ساله از بین مقام‌های شاغل در باشگاه‌ها و اتحادیه‌های مختلف فوتبال ژاپن طی مجمع عمومی و براساس آرای متخذه انتخاب می‌شوند و از دو زیرمجموعه شکل می‌گیرد که به هر دو کمیته اجرایی می‌گویند. یکی کارهای دسته اول را رتق و فتق می‌کند و دیگری مسئول سازماندهی امور در لیگ دسته دوم کشور است. در هر یک از این نهادها یک رئیس، مدیران و نواب رئیسی با وظایف مشخص و نمایندگانی از باشگاه‌ها حاضرند. بدیهی است که گزینش افرادی تحت عنوان خزانه‌دار و دبیر و همچنین طراح و منشی و برنامه‌ریز از وظایف و کارهای رایج در این کمیته‌ها باشد. این کمیته‌های اجرایی، خود چند زیرمجموعه دارند که کمیته‌های انضباطی، فنی، داوری، قضایی، کنترل دوپینگ و قانونگذاری را شامل می‌شوند. یک وجه مهم که چه در لیگ ۱۸ تیمی دسته اول ژاپن و چه در لیگ ۱۳ تیمی دسته دوم این کشور دیده می‌شود، مشخص بودن زیرساخت‌های اقتصادی و به تبع آن «فاقد ابهام بودن» تراز‌های مالی است. از ۲۰۰۰ به بعد طبق یک عادت مشخص و ثابت، تمام تیم‌های حاضر در «جی‌لیگ» موظف بوده‌اند که در پایان هر فصل ترازنامه و بیلان مالی خود را منتشر کنند. حسن این قضیه این است که نه فقط خود باشگاه‌ها می‌دانند باید جوابگوی نیازها و تعهدات مالی خود باشند، بلکه مدیران لیگ هم می‌دانند که سلوک اقتصادی کدامین باشگاه ایراد دارد و هر «بحران در راه» را پیش از وقوع حس می‌کنند و می‌توانند اخطارهای لازم را برای باشگاه‌های ضعیف و صاحب بنیه مالی ناکافی صادر کنند.

■■■

اگر بشکنیم: آمار موجود همین حالا بیانگر بسیاری از مسائل و حقایق موجود در این زمینه است. در سال ۲۰۰۳ متوسط درآمد باشگاه‌های حاضر در جی لیگ به ۲۸۳۳ میلیارد ین می‌رسید که ۴ درصد رشد را نسبت به سال قبل از آن نشان می‌داد. اگر بخواهیم ارقام را ریز کنیم و بشکنیم، باید متذکر شویم که برای تیم‌های دسته اولی این رقم به ۴/۵ درصد و برای باشگاه‌های دسته دومی به ۳/۵ درصد می‌رسید.

در نقطه مقابل ۱۰ باشگاه از ۲۷ تیم حاضر در دسته‌های اول و دوم ژاپن در آن فصل بین ۲ تا ۳ میلیارد ین ضرر مالی و بهتر بگوئیم کسر بودجه را متحمل شدند. با این حال آنها از این روند راضی بودند، زیرا فرض حاکم این است که هرچه وسعت عملیات اقتصادی یک باشگاه بیشتر باشد، به همان میزان هم احتمال خطا و ضرر اقتصادی فزون‌تر می‌شود و اگر حوزه مانورهای اقتصادی یک باشگاه (و یا هر نهادی) زیاد نباشد، طبعاً پول کمتری نیز «وارد و یا خارج» و امکان هر ریسکی کمتر می‌شود.

چنین نگرشی سبب شد که در فصل مورد بحث (۲۰۰۳) ضرر و کاستی در بودجه اجرایی باشگاه‌ها ۶ تا ۷ درصد کاهش یابد و حدود ۶ باشگاه از مرز قرمز عبور کرده و وارد وادی سودرسانی مستقیم شوند. مجموعاً ۱۴ باشگاه در آن سال کسب بیش از ۴۰ میلیون ین سود را گزارش دادند که طبعاً فقط برخاسته از بلیت‌فروشی نبود بلکه از مانورهای اقتصادی و شراکت‌های مالی با سازمان‌های مختلف نشأت می‌گرفت.

■■■

روند وام گرفتن: آمار می‌گویند که در اکثر شاخه‌های رشد اقتصادی طی فصل ۲۰۰۴ نیز استمرار یافته است. به عنوان مثال بهای قراردادها و همکاری‌های تبلیغاتی بین باشگاه‌های حاضر در «جی‌لیگ» و سازمان‌های مختلف به ۱۳۰۷ میلیارد ین در سال مورد بحث رسیده بود. این در حالی است که باشگاهی مثل ویسل کوبه نتوانسته بود آمار و بیلان و کارنامه مالی‌اش را به موقع رو کند و گمان می‌رود که در صورت محاسبه آن، رقم از ۱۴۰۰ میلیارد ین نیز بالاتر می‌رفت.

بیلان‌های موجود می‌گویند باشگاه‌های ژاپنی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به طور متوسط ۲۳/۷ درصد از نهادهای غیرورزشی وام گرفته و به طور متوسط ۳۳/۲ درصد از سهام خود را به متقاضیان فروخته‌اند. خرج و هزینه‌های باشگاه در زمینه پرداخت حقوق پرسنل نیز در طول فصل به ۴۴ درصد از کل هزینه‌ها بالغ می‌شده است. آمار بلیت‌فروشی طی همین سال‌ها برای تیم‌های حاضر در دسته اول «جی‌لیگ» متفاوت و متنوع بوده است. به عنوان مثال یوکوهاما مارینوز، کاشیما آنتلرز، جوبیلو ایواتا و اوراوارد دایاموندز بین ۸۲ تا ۹۶ درصد بلیت‌های مسابقات خانگی خود را فروخته‌اند و در عوض اویسپا فوکواوکا و اویتا ترینیتا از ۳۳ درصد فراتر نرفته‌اند.

هزینه‌های اجرایی در باشگاه‌های حاضر در «جی‌لیگ یک» بین ۵۲ تا ۶۲ درصد از کل هزینه‌ها را شامل می‌شده است و خرید و فروش بازیکنان بین ۳۰ تا ۴۸ درصد از کل هزینه‌های باشگاه‌ها را به فراخور شهرت و توان بازیکنان و همچنین ظرفیت مالی باشگاه‌های مجری عملیات تامین کرده است.

تغییر در ساختارهای مالی باشگاه‌ها نیز موجد و بانی تغییراتی در بودجه‌های اجرایی و میزان حقوق و دستمزد بازیکنان شده که این در جهان فوتبال امری عادی است.

با این حال بیلان‌های منتشره از سوی مدیریت «جی‌لیگ» این را مشخص می‌کند که حداکثر تاثیرگذاری این امر بر ساختار و رفتار و بودجه و بنیه باشگاه‌ها برای تامین و پرداخت حقوق نفرات و بازیکنان خود از ۱۲ درصد فراتر نمی‌رفته است.

در سال ۲۰۰۴ چهار باشگاه حاضر در جی لیگ اعلام کرده‌اند که هیچ سودی را در عملیات اقتصادی و در چارچوب کارهای روزمره خود نبرده‌اند ولی اکثریت با باشگاه‌هایی است که ۸ تا ۳۳ درصد رشد خالص را گزارش کرده‌اند.

■■■

پخش تلویزیونی: بحث پخش تلویزیونی هم جالب بوده است. در حالی که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ یعنی دو فصل اول برپایی لیگ فقط ۲۵ و ۳۰ بازی لیگ مستقیماً از تلویزیون پخش شده است، این آمار در سال ۲۰۰۴ به ۷۳ بازی رسیده و طبعاً سود بسیار بیشتری را نصیب باشگاه‌های مربوطه کرده است. اوراوارد دایاموندز بیشترین سود را در این ارتباط برده است. روند تقسیم درآمد بین باشگاه‌هایی که مسابقات‌شان بیشتر از سایرین روی آنتن رفته، نیز مشخص بوده است. کاشیما با ۷۵۰ هزار دلاری که بابت پخش ۵ بازی تلویزیونی‌اش طی سال ۲۰۰۴ گرفته توانسته است با شبکه‌های تلویزیونی بر سر حق پخش ۸ دیدارش طی سال بعدی قرارداد کلان‌تری ببندد.

تمامی باشگاه‌های ژاپن ترازنامه مالی خود را طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به ۴ فصل تقسیم کرده و در ۴ بخش زمانی مختلف آن را عرضه کرده‌اند. آمار سه ماه تعطیلی مسابقات نیز جالب نشان می‌دهد زیرا زمان عقد قرارداد با شرکت‌های داوطلب و شروع جاری شدن پول‌های تازه به شریان‌های حیاتی باشگاه‌ها بوده است. شرکت‌هایی هم که به باشگاه‌های ژاپنی پول داده‌اند تا لباس مزین به آرم و نشان آنها را طی مسابقات بر تن کنند، بیلان دقیقی را ارائه داده‌اند. از این شرکت‌ها می‌توان به آدیداس، کریمسون، دیادورا، پتین و پوما اشاره کرد که آخری تامین‌کننده لباس‌های تیم ملی ایران در جام جهانی آلمان نیز خواهد بود.

طبق ترازنامه مالی سال ۲۰۰۴ جف یونایتد ایچی‌هارا ۲۲ درصد از هزینه‌های اجرایی این باشگاه براساس پول‌های همین شرکت‌های اسپانسر فراهم آمده است ولی برای اف‌سی توکیو این رقم از ۱۲ درصد فراتر نمی‌رفته است. باشگاه‌های حاضر در «جی‌لیگ» حتی میزان پولی را هم که صرف ترمیم و نگهداری استادیوم‌های اختصاصی‌شان در سال ۲۰۰۵ شده، رو کرده‌اند که این هزینه با کمک و سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسپانسر تامین شده است.

■■■

مقایسه: در شرایطی که در ژاپن، این اتحادیه باشگاه‌ها است که مسئولیت اجرایی لیگ دسته اول این کشور را برعهده دارد، اینجا در ایران مسئولیت اتحادیه در حد بیانیه صادر کردن است! اما این تمام تفاوت لیگ برتر ایران با جی‌لیگ نیست، چنان‌که در گزارش منتشرشده اتحادیه باشگاه‌های فوتبال ژاپن می‌بینیم که بسیاری از باشگاه‌های این کشور به دنبال سرمایه‌گذاری صحیح و کار اقتصادی و بیلان مالی مثبت هستند و اینجا در ایران اصلاً باشگاهی به دنبال برنامه‌ریزی، توسعه و فعالیت اقتصادی نیست که به دنبال تراز مثبت مالی باشد. اگر در ژاپن باشگاهی که رشد اقتصادی‌اش کمتر از بقیه است در تنگنا قرار می‌گیرد، اینجا در ایران باشگاهی که می‌تواند بیشترین پول را از دولت بگیرد، از بیشترین امکانات برخوردار می‌شود. چنین است که پنج سال پس از شروع لیگ حرفه‌ای هنوز داریم می‌بینیم ۸۰ درصد هزینه‌های باشگاه‌های ایرانی توسط دولت فراهم می‌شود، بدون اینکه سنگی روی سنگی گذاشته شود و زیرساختی بنا نهاده شود. احتمالاً اگر اتحادیه باشگاه‌های ایران بخواهد گزارشی مثل گزارشی را که درباره جی‌لیگ خواندید، منتشر کند، اصلاً نمی‌تواند. چرا که در فوتبال ایران هنوز قراردادها شفاف نشده، هنوز رقم حقوق بازیکنان براساس قرارداد داخلی، با رقم حقوق بازیکن در قرارداد فدراسیون متفاوت است. دیگر تکراری شده که بخواهیم درباره خصوصی‌سازی، برنامه‌ریزی و توسعه و کار اقتصادی حرف بزنیم. فقط می‌توانیم پیشنهاد کنیم حالا که اتحادیه مسئولیتی در برگزاری لیگ ندارد، لااقل قدمی در شفاف‌سازی حساب‌های مالی باشگاه‌های ایرانی بردارد و آن را در قالب گزارشی منتشر کند. این خودش یک گام مهم در حرفه‌ای شدن است.

فقط دو استادیوم استاندارد

مثل اینکه خود فدراسیونی‌ها هم فهمیده‌اند برای داشتن یک لیگ پویا باید دو بخش برنامه‌ریزی و اجرا را از هم جدا کرد. این را محمدرضا پهلوان در دوره Community فیفا گفت که در ایران کمیته‌های فدراسیون فوتبال هر دو بخش برنامه‌ریزی و اجرا را بر عهده دارند که این امر مشکلاتی را در هر دو بخش ایجاد می‌کند. به عقیده دبیر فدراسیون، کمیته‌ها باید اتاق فکر فوتبال باشند. او به این هم اشاره کرد که در پروژه ایران- ویژن جدایی این دو مقوله در دستور کار فدراسیون قرار دارد. پهلوان در ادامه سخنانش مشکلات دیگر فوتبال باشگاهی را چنین بیان کرد:

۱- اکثر باشگاه‌های ما دولتی هستند و فقط دو باشگاه لیگ برتر ما خصوصی است که این امر باعث نوسانات زیاد در باشگاه‌های کشور شده است.

۲- هفتاد درصد درآمد فوتبال از پخش تلویزیونی است که متاسفانه ما از آن محروم هستیم.

۳- به‌رغم رشد اسپانسرینگ در ایران، اما هنوز این مقوله از یک چارچوب و اصول مشخصی برخوردار نیست.

۴- تنها دو استادیوم استاندارد در ایران وجود دارد.

او در گفته‌هایش نشان داد که مشکلات فوتبال ایران را به خوبی درک می‌کند، فقط کاش در ادامه سخنانش به این اشاره می‌کرد که چگونه باید فوتبال ایران را از این حالت خارج کرد و نیز می‌گفت که فدراسیون فوتبال پس از جدا کردن دو بخش برنامه‌ریزی و اجرا از هم، بخش اجرایی را به کدام نهاد می‌سپارد. به هر روی، همین که فدراسیون‌ها نتیجه گرفته‌اند فوتبال را باید به سمت خصوصی شدن پیش ببرند، خودش قدم بزرگی است، ما هم منتظر گام‌های بلندتر می‌مانیم.

بیگ‌فیل مرد اول

اینکه لوئیس فیلیپه اسکولاری سرمربی پرتغال خبرسازترین مربی جهان پیش از جام جهانی است و اینکه اتحادیه فوتبال به شدت به دنبال جلب رضایت او است، نکته‌ای است که می‌تواند نشانگر اهمیت و بزرگی مربی‌ای باشد که روز ۲۷ خرداد مقابل ایران و کادر فنی نه‌چندان مشهورش می‌ایستد. مربی‌ای که به همراه کارلوس آلبرتو پریرا تنها مربیانی هستند که سابقه پیروزی در جام جهانی را دارند. آخرین خبر در مورد «بیگ‌فیل» این است که اسکولاری در بیرون دفتر فدراسیون فوتبال پرتغال در لیسبون در پاسخ به سئوال خبرنگاران در مورد گزارش‌های مطبوعات انگلیس مبنی بر پیشنهاد شدن این سمت به وی گفت: «من حرفی برای گفتن ندارم. دور شوید.»

روز پنجشنبه «برایان بارویک» رئیس اجرایی اتحادیه فوتبال انگلیس تائید کرده بود که وی با اسکولاری ملاقات کرده است ولی از اظهارنظر در مورد اینکه اسکولاری انتخاب اول اتحادیه فوتبال برای جانشینی اریکسون است، خودداری ورزید.

بارویک هنگام عزیمت به مقر اتحادیه فوتبال در مرکز لندن به گروهی از خبرنگاران گفت: «من دیروز برای مذاکره با اسکولاری در چارچوب بخشی از فرآیند جاری ما برای استخدام مربی ارشد تیم ملی انگلیس در لیسبون بودم.» قرارداد اسکولاری با پرتغال تیمی که تحت رهبری وی به فینال جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۴ رسید در ۳۱ ژوئیه پایان می‌یابد و گفته می‌شود که وی موافقت کرده است تا این تاریخ خود را درگیر پست دیگری نکند.

فکر می‌کنید ما، مطبوعات، مردم و بازیکنان و مربیان تیم ملی چقدر از بزرگی و استراتژی اسکولاری باخبرند؟ واقعاً چقدر؟

قهرمدسته جمعی در فولاد

روزگاری هر کسی می‌خواست یک باشگاه موفق را که می‌تواند در سرمایه‌گذاری روی جوانان تیم‌های پایه الگوی سایر باشگاه‌های ایرانی باشد، مثال بزند بدون هیچ جست‌وجویی از فولاد خوزستان نام می‌برد. فولادی که با یک برنامه‌ریزی صحیح پس از پنج سال به قهرمانی در لیگ برتر ایران هم رسید. اما امروز این تیم شرایط وحشتناکی دارد. پس از آن نمایش افتضاح مقابل پاختاکور که منجر به قهر بازیکنان کلیدی این تیم شد حالا از اردوی این تیم خبر می‌رسد که آن سه بازیکن یعنی ابراهیم میرزاپور، حسین کعبی و سیدمحمد علوی دیگر حاضر به بازی برای این تیم نیستند. اما خبر بدتر اینکه دوازده بازیکن دیگر هم اعلام کرده‌اند فصل آینده در فولاد نخواهند بود. از طرفی شنیده می‌شود که مسعود رضائیان هم صندلی مدیرعاملی باشگاه را به یک نفر دیگر می‌سپارد. با رفتن رضائیان احتمالاً کادر سرپرستی و فنی این تیم تغییر می‌کند و در این صورت شاید بازیکنان ناراضی، به ماندن در این تیم رضایت بدهند. مدیران باشگاه به هیچ وجه حاضر به صدور رضایت‌نامه بازیکنان شاکی نیستند. این در حالی است که شنیده می‌شود ابراهیم میرزاپور با پرسپولیسی‌ها و سیدمحمد علوی با استقلالی‌ها مذاکره کرده‌اند و حسین کعبی نیز می‌خواهد پس از جام جهانی در اروپا به فوتبالش ادامه دهد. سایر جوانان فوتبال هم باشگاه‌های صنعتی لیگ را نشان کرده‌اند تا هم پول بیشتری را به جیب بزنند و هم در شرایط آرام‌تری به فوتبال خود ادامه دهند. آنچه که امروز در باشگاه فولاد دیده می‌شود نشانگر این نکته است که مدیران این تیم فقط تا لحظه قهرمانی برنامه‌ریزی کرده بودند و چقدر خوب هم برنامه ریخته بودند، اما پس از آن... متاسفیم.

چهره‌ها

شریفی‌نسب: میرزاپور و کعبی فقط به جام جهانی فکر می‌کنند

امید شریفی‌نسب هافبک فولاد در یک اظهارنظر عجیب مدعی شد که تیمش در مقابل پاختاکور بسیار بد بازی کرده و حتی تک گل خود را هم به‌صورت کاملاً اتفاقی وارد دروازه حریف کرده است. امید شریفی‌نسب به خبرنگار ورزشی ایرنا گفت: باید قبول کرد که فولاد در حال حاضر وضعیت خوبی ندارد و شکست این تیم در برابر پاختاکور دور از انتظار نبود. تیمی که در دیدارهای داخلی ۷ گل از پاس، ۴ گل از استقلال و ۵ گل از یک تیم ساده دریافت می‌کند، نباید انتظار داشته باشد که در مسابقات آسیایی به حریفان ۳ گل بزند. فولاد در حال حاضر تمامی توانایی‌های خود را از دست داده و مسئولان این تیم باید هرچه زودتر یک فکر اساسی برای این تیم داشته باشند، وگرنه هیچ بعید نیست که در فصل آینده نتایجی به مراتب بدتر از این را کسب کند. شریفی‌نسب در ادامه مستقیماً از ابراهیم میرزاپور دروازه‌بان و خط دفاعی تیمش انتقاد می‌کند: «متاسفانه بعضی از بازیکنان فولاد به‌جای بازی کردن در میدان به فکر حفظ ساق پای خود برای جام جهانی هستند. در حالی که آنها تیم ملی را به‌خاطر بازی در فولاد به‌دست آورده‌اند و کم‌کاری آنها هرگز از خاطره مردم فوتبال‌دوست خوزستان پاک نخواهد شد.» آیا اگر میرزاپور و کعبی تصمیم به پاسخگویی بگیرند، وضع فولاد بدتر از این نمی‌شود؟

کاظمیان: ما هم رفتیم آسیا

با برد در جام حذفی جواد کاظمیان هم تازه روحیه گرفته و تمام مشکلات پرسپولیس را در لیگ فراموش کرده است: «قبول کنید رسانه‌ها در لیگ حاشیه زیادی برای ما درست کردند. استقلال هم حاشیه داشت اما خیلی راحت از حاشیه‌های آنها می‌گذشتید.» او اطمینان دارد پرسپولیس قهرمان جام حذفی خواهد شد: «در این مورد شک ندارم. حتی اگر استقلال هم مقابل ما بود آنها را می‌بردیم و قهرمان می‌شدیم، هیچکس نمی‌تواند جلوی ما را برای گرفتن جام بگیرد... از قول من بنویسید ما هم رفتیم آسیا.» دغدغه‌های پرسپولیسی‌ها پایان یافتن قرارداد کاظمیان است که نمی‌دانند تمدید می‌شود یا... «باید مفصل با باشگاه صحبت کنم. اگر قهرمان جام حذفی بشویم امکان دارد یک فصل دیگر در پرسپولیس بمانم، همه‌چیز به جام حذفی بستگی دارد.»

سامره: ناراحت نیستم

«مربیان تیم ملی گل‌هایم را نمی‌بینند وگرنه باید خیلی زودتر به تیم ملی دعوت می‌شدم.» این حرف‌های علی سامره‌ای است که اکنون برای آقای گلی امارات فقط به دو گل نیاز دارد اما لیست برانکو جایی ندارد. «امیدوار بودم اما می‌دانستم که در لیست او نیستم، چون او اصلاً به من علاقه‌ای ندارد. برانکو نفراتش را یک‌سال قبل انتخاب کرده است و فقط روی چند بازیکن تردید دارد.» سامری چندان هم از این اتفاق ناراحت نیست یا حداقل این طور وانمود می‌کند. «وقتی در چهار سال گذشته به اردوی تیم ملی دعوت نشدم چرا باید ناراحت باشم؟ برانکو مهاجمانش را انتخاب کرده است و من هم باید زندگی‌ام را بکنم.» البته این پایان حرف‌های سامره نیست. او قصد دارد یک موج بلند درست کند. البته نه امروز... به زودی!

فیروز و شفیع‌زاده

ظاهراً فیروز کریمی با استقلال اهواز تمام کرده و باید منتظر بود تا فیروزخان به زودی تمرینات استقلالی‌ها را زیر نظر بگیرد. خبر رسمیت یافتن همکاری قریب‌الوقوع مربی فصل پیش راه‌آهن با شفیع‌زاده البته در اهواز یا کیش علنی نشد، بلکه این دو نفر این خبر را در باشگاه ایرانیان دبی اعلام کردند. مالک باشگاه استقلال اهواز وقتی دید که فیروز کریمی با ایرانی‌های اینجا گرم گرفته و حرف از عقد قرارداد با دو باشگاه اماراتی الوصل و الشعب می‌زند، دست «آقافیروز» را محکم می‌چسبد و می‌گوید این دو دست امسال از هم جدا نخواهد شد. اما حالا چند هفته این دو نفر همدیگر را تحمل می‌کنند سئوال خیلی سختی نیست. ما از اینکه استقلال اهواز دوباره به قهرمانی فکر می‌کند، خوشحالیم ولی وقتی یاد تصمیمات سال گذشته می‌افتیم، ... به هر حال خدا خودش به خیر کند!

ادامه از صفحه ۲۵

فدراسیون فوتبال و برانکو امروز در شرایطی‌اند که متاسفانه تصویری توام با خودمحوری از هردو در ذهن عموم نقش بسته است که تصویری دوست‌داشتنی نیست. در مورد برانکو این بی‌تفاوتی در ماه‌های اخیر حتی گاهی شکل بی‌نظری (no comment) را به خود گرفت. عبارتی که گاهی از دهان شخصیت‌های فیلم‌های هالیوودی در مقابل خبرنگاران خارج می‌شود. اما در دنیای واقعی روابط عمومی یک فاجعه است.

به هرحال اگرچه هم‌اکنون مدیریت فنی تیم ملی در بحران اعتماد عمومی به سر می‌برد اما باز هم دیر نیست و کنترل و مدیریت بحران به عنوان یکی از فعالیت‌های روابط عمومی به عنوان یک راه‌حل پیش روی تصمیم‌گیرندگان و متولیان فوتبال ملی ما موجود است. راه‌حلی که شاید تا حدودی بتواند اعتبار و اعتماد مخدوش شده را ترمیم کند و تا حد ممکن برای برانکو سمپاتی عمومی بخرد. سمپاتی‌ای که اگر می‌بود فهرست نفرات تیم ملی با هر وضعیتی مقبولیت عمومی بیشتری می‌داشت. سمپاتی‌ای که در درجات عالی خود اگر شخص اندکی مایه‌های ذاتی لازم را نیز می‌داشت شکل یک کاریزما را به خود می‌گرفت. کاریزمایی که با آن برانکو می‌توانست اندیشه‌های فنی خود را، با هرکیفیتی، راحت‌تر و با استرس پایین‌تر اجرا کند. کاریزمایی که چیرو تا حدودی داشت ولی قدرش را ندانست و برانکو اصلاً آن را تجربه نکرد.